دعا

[با دعـاهایی از قرآن کریم]

**آیت الله علاّمه سيد ابو الفضل ابن الرضا برقعي قمی**(:)

(1287 - 1370 شمسى)

**شناسنامه كتاب**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام کتاب:** |  | **دعا [با دعاهایی از قرآن]** |
| **تأليف:** |  | **آيت الله العظمى علامه سيد ابوالفضل ابن الرضا برقعي قمی (1330- 1414هـ .ق مطابق با 1287 – 1370 شمسی) .**  **www.borqei.com** |
| **ناشر:** |  | **انتشارات عقيده**  **(www.aqideh.com)** |
| **سال چاپ:** |  | **1391 ه‍ . ش / 1434 ه‍ . ق** |
| **تیراژ:** |  | **3000 نسخه** |
|  |  |  |
| **ناظر علمی و فنی:** |  | **مجموعه موحدين**  **www.mowahedin.com**  **contact@mowahedin.com** |

فهرست مطالب

[مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین 1](#_Toc350385814)

[مقدمه‌ی ناشر 5](#_Toc350385815)

[تذکر 8](#_Toc350385816)

[[مقدمه‌ی نویسنده] 9](#_Toc350385817)

[فصل اول 11](#_Toc350385818)

[[دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد] 11](#_Toc350385819)

[[در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است] 11](#_Toc350385820)

[فصل دوم 13](#_Toc350385821)

[[قرآن بهترین دعاها را دارد] 13](#_Toc350385822)

[[اکثر کتاب‌های دعا باطلند] 13](#_Toc350385823)

[[عباس قمی از جهل مردم می‌نالد ولی خودش...] 14](#_Toc350385824)

[فصل سوم 16](#_Toc350385825)

[فصل چهارم 17](#_Toc350385826)

[[ضررهای دعاهای اختراعی] 17](#_Toc350385827)

[[برهان از قرآن] 18](#_Toc350385828)

[[توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان] 20](#_Toc350385829)

[[آیا امام همه زبان‌ها را می‌داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟] 21](#_Toc350385830)

[[توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ﴾] 22](#_Toc350385831)

[[آیا خدا وزیر دارد؟] 23](#_Toc350385832)

[[وسیله قرار دادن نیکان شرک است] 24](#_Toc350385833)

[[در دعاهای باطل بخدا اهانت می‌شود] 25](#_Toc350385834)

[[قرآن بهترین پناهگاه] 26](#_Toc350385835)

[فصل پنجم 28](#_Toc350385836)

[دعاهای قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده 28](#_Toc350385837)

[دعاهای قرآنی که به کلمة ﴿رَبِّ﴾ ابتداء شده است 34](#_Toc350385838)

[بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است 38](#_Toc350385839)

f

مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین

**حمد و سپاس خداوندی که نعمت اسلام را بر بندگان خود ارزانی داشت و از میان آنان، بهترین و پاک‌ترین را برای ابلاغ پیام آزادی و آزادگی برگزید؛ و درود و سلام پروردگار یکتا بر اهل بیت بزرگوار، صحابه کرام و تابعین گران‌قدر پیامبر دوستی و رحمت.**

**دینی که امروز مفتخر به آنیم، ثمره مجاهدت‌ها و از جان گذاشتگی‌هایِ مردان خداست؛ آنانی که در راه حفظ و نشر پیام الهی، خالصانه مِهر حق در دل و مُهر نام پاکش بر لب داشتند و در راه صیانت از سخن خداوندِ سبحان و سنت پیامبر مهربان، جان و مال و عِرض بر کف نهادند و جز خشیت و خوف آفریدگار، ترسی به دل راه نداند.**

**آری، اسلام عزیز این گونه رشد کرد و بالید و بر بلندای آسمان بانگ یکتاپرستی و برابری سر داد. در این میان اما، دست تطاولِ دشمنان قسم خورده و جورِ عالمان مُتهتّک و جاهلان مُتنسّک، بر قامت رعنای دینِ حق نشست و شرک و غلوّ و گزافه و دروغ، چنان طوفانی بر پا کرد که چهره زیبای آیین حق، در پسِ دروغ‌پردازی‌های غوغا سالارانِ دین فروش در مُحاق افتاد. این روندِ دوری از حقایق دین و سنت حسنة رسول‌الله، به ویژه پس از روی کار آمدن پادشاهان صفوی در قرن نهم هجری و زمامداران جمهوری اسلامی در عصر حاضر، سیر صعودی گرفت؛ تا جایی که امروز، مساجد محل سینه زنی و عزاداری است و صدای قرآن برنمی‌خیزد مگر بر مزار مردگان؛ روایات شاذّ و خودساخته، جایگزین سنت پیامبر شده است و مداحان جاهل و عوام‌فریب، تبدیل به فرهنگ ناطق دین شده‌اند؛ تفسیر به رأی و روایات مجعول، مستمسکی شد برای جدایی انداختن بین شیعه و سنی؛ و دریغ که ندانستند از این تفرقه و خصومت، بهره و منفعت از آنِ کیست؟**

**آنچه امروز به نام تقریب مذاهب اسلامی در ایران سر می‌دهند، چیزی نیست مگر هیاهوی تبلیغاتی و گرد و خاک سیاسی که در سایة پوششِ رسانه‌ای گسترده، مقصودش جلب توجه سیاسی و ترسیم چهره‌ای مناسب از حکومت شیعی ایران در جهان است. نگاهی به عملکرد سردمداران و روحانیون و مراجع شیعة ایران، خود گویایِ این حقیقت است که تقریب مذاهب و دوستی و برادری دینی به شیوة زمامدارانِ ایران، خواب و خیالی بیش نیست و «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».**

**در این میان، موحدان مسلمانی در ایران، از دل جامعه خرافه زدة شیعه‌ی امامیه برخاستند و کمر به بیداری جامعة غفلت زده خود بر بستند؛ سراپا شور و شهامت شدند و قلم فرسودند و سخن دردادند و زنگار شرک را به صیقلِ توحید و سنت زدودند و بی پروا فریاد برآوردند که:**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **برخیز تا یکسو نهیم این دلقِ ازرق فام را هر ساعت از ما قبله‌ای با بت‌پرستی می‌رود** |  | **بر بادِ قلّاشی دهیم این شرکِ تقوا نام را توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را** |

**حیدر علی قلمداران قمی – که از زمرة این بزرگواران بود- در کتاب ارزشمند شاهراه اتحاد، علت این تفرقه را در جهل مسلمین نسبت به کتاب خدا و سیره پیامبرش می‌دانست و کوشید تا با ریشه‌یابیِ دیگر علل جداییِ فرقه‌های اسلامی، گامی حقیقی و موثر در جهت تقریب مذاهب بردارد. تلاش و جدیّت دیگر علما و دلسوزان اسلام، همچون آیت الله سید ابوالفضل برقعی قمی، سید مصطفی حسینی طباطبایی، آیت الله شریعت سنگلجی، یوسف شعار و بسیاری دیگر از این مجاهدانِ راه حق، بدون شک، الگویی است برای حق‌پژوهان و جویندگانِ گوهر دین، تا با تأسی از شیوة دین‌پژوهی و عیار سنجیِ مدعیات دینی و در سایة آموزه‌های ناب قرآن و سنت، در جهت پژوهش‌های یکتاپرستانه گام‌های موثری بردارند و گم‌گشتگان را مدد رسانند تا ره به ساحلِ سلامت برند و از گرداب شرک و توهّم رهایی یابند.**

**تلاش‌های خستگی ناپذیرِ این رادمردانِ عرصه یکتاپرستی، رسالتی را بر دوش دیگرانی می‌گذارد که شاهدِ گرفتاری‌های دینیِ جامعه و جدایی مسلمانان از تعالیم حیاتبخش اسلام، به ویژه در ایران هستند.**

**لازم به ذکر هست که اصلاح‌گرانی که امروز کتابهایشان را منتشر می‌کنیم در خلال تغییر مذهب شیعه‌ امامی که در گذشته پیرو آن بوده‌اند، مرحله‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌اند و باطل بودن عقاید شیعۀ امامی را مانند امامت از دیدگاه شیعه، عصمت، رجعت و غیبت و اختلافاتی که میان صحابه رخ داده و غیره، را به صورتی تدریجی و در چند مرحله کشف کرده‌اند؛ به همین دلیل عجیب نیست که در تعدادی از کتابهایی که در ابتدای امر تألیف کرده‌اند برخی از اثرات و بازمانده‌های عقاید گذشته به چشم بخورد ولی کتابهای بعدی آنها از این عقاید غلو آمیز رها شده، بلکه کاملا از آن پاک شده است، به هدف نزدیک شده و بلکه عقیدۀ پاک اسلامی، توحیدی و بی‌آلایش را در آغوش کشیده‌اند.**

**\*\*\***

اهداف

**آنچه امروز در اختیار دارید، تلاشی است در جهت نشر معارف دین و ادای احترام به مجاهدت‌های خستگی ناپذیرِ مردانِ خدا. هدف از انتشار این مجموعه، این است که:**

**1- امکان تنظیم و نشرِ آثار موحدین، به صورت اینترنتی، الکترونیکی، لوح فشرده و چاپی مهیا شود، تا زمینه آشنایی جامعه با اندیشه و آراء توحیدی آنان فراهم و ارزش‌های راستینِ دین، به نسل‌های بعد منتقل گردد.**

**2- با معرفی آثار و اندیشه‌های این دانشمندان موحد، چراغی فرا راهِ پژوهش‌های توحیدی و حقیقت‌جویانه قرار گیرد و الگویی شایسته به جامعه اندیشمندِ ایران معرفی شود.**

**3- جامعه مقلد، روحانی‌گرا، مرجع محور و مداح‌دوستِ ایران را به تفکر در اندیشه‌های خود وادارد و ضمن جایگزین کردن فرهنگ تحقیق به جای تقلید، به آنان نشان دهد که چگونه از دلِ شیعة غالیِ خرافی، مردانی برخاستند که با تکیه بر کلام خدا و سنت رسول، ره به روشناییِ توحید بردند.**

**4- با نشر آثار و افکارِ این موحدینِ پاک‌نهاد، ثمرة پژوهش‌های بی‌شائبة آنان را از تیغ سانسور و مُحاق جهل و تعصبِ زمامدارانِ دین و فرهنگ ایران به در آورَد و با ترجمه این کتاب‌ها به دیگر زبان‌ها، زمینه آشنایی امت بزگ اسلام در دیگر کشورها را با آرا و اندیشه‌های یکتاپرستانِ مسلمان در ایران فراهم کند.**

**\*\*\***

چشم انداز

**تردیدی نیست که دستیابی به جامعه‌ای عاری از خرافه و بدعت و رسیدن به مدینة فاضله‌ای که آرامش در جوار رضایت حضرت حق را به همراه دارد، مقدور نخواهد بود، مگر با پیروی از آموزه‌های اصیل و ناب قرآن و سنت پاک پیامبر مهر و رحمت**ص **. هدف غاییِ دست اندر کارانِ مجموعة موحدین، آن است که با معرفی آثار این بزرگانِ جهادِ علمی، الگوی مناسبی برای دین‌پژوهان و جویندگانِ راه حق فراهم آورند، تا شناخت و بهره‌گیری از فضایل دینی و علمیِ این عزیزان، بستر مناسبی باشد برای رشد و تقویتِ جامعه توحیدی و قرآنی در ایران و نیل به رضایت خالق و سعادتِ مخلوق.**

**باشد که خداوند، این مختصر را وسیله علوّ درجات آن عزیزان قرار دهد و بر گناهان ما، قلمِ عفو کشد.**

a

مقدمه‌ی ناشر

**سپاس خداوند بزرگی را که نعمت بندگی اش را بر ما عرضه کرد و درود و سلام خداوند بر پاکترین خلق خدا و آخرین فرستاده پروردگار - محمد مصطفی- و خاندان و اصحاب پاک نهادش.**

**مسلمانان در طول قرن‌های گذشته، به برکت و موهبت اسلام عزیز و پیروی از کلام گهربار رسول خدا، در دانش اندوزی و علم آموزی، گوی سبقت از دیگران ربودند، چنان که در پایان خلافت عباسی، دانشمندان مسلمان، سرآمد دوران خود شدند و نیمة دوم سدة دوم هجری قمری، بیت‏الحکمه، كه در دورة خلافت هارون‏الرشید عباسی در بغداد تأسیس شده بود، به بزرگترین نهاد آموزشی و پژوهشی جهان تبدیل شد و به دلیل فعالیت‏های فرهنگی و علمی‌اش در عرصه‏های مختلف تألیف، ترجمه، استنساخ و پژوهش در دانش‏های گوناگون پزشكی، انسانی و مهندسی، هنوز به عنوان نماد تمدن اسلامی شناخته می‌شود.**

**بدون شک، چنین توانمندی و شکوهی همچون خاری در چشم، دشمنان اسلام را می‌آزُرد؛ پس بر آن شدند تا با ایجاد زمینه های اختلاف و تفرقه افکنی در میان مسلمین، این شکوه و عظمت را، که ناشی از اتحاد و یکدلی و برادری میان آنان بود، از بین ببرند و تفرقه را طوفانی بلا خیز کنند، تا چشم‌ها را بر زیبایی حق ببندد و خورشیدِ دین را در پسِ ابر‌های بدعت و خرافه پنهان کنند و چنان که شیخ سعدی می‌گوید:**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **حقیقت، سرایی است آراسته نبینی که هر جا که برخاست گرد** |  | **هوا و هوس، گرد برخاسته نبیند نظر، گرچه بیناست مرد** |

**تلاش‌های برنامه ریزی شده و بلند مدتِ مغرضانِ اسلام برای بستن چشمِ مسلمانان به حقیقتِ دین، سستی و کاهلی مسلمین در فراگیری و نشر معارف دین و دوری جستن آنان از سنت ناب و هدایتگر رسول خدا، منجر به بروز چنان شکاف و اختلاف عمیقی در امت اسلام شد که تبعات شوم آن، امروز نیز دامنگیر آنان است.**

**به موازات تلاش‌های خصمانه دشمنانِ پیامبر خدا** ص **برای به انحراف کشیدن آموزه‌های اسلام و وارد کردن بدعت‌های گوناگون در دین، مؤمنینی پاک‌نهاد و دلسوز، این خطر را دریافتند و در جهادی مستمر برای احیای اسلام و سنت نبوی، به پا خاستند و با شجاعتی کم نظیر، قلم در دست گرفتند و در دلِ شیعیان خرافه‌پرست، به اشاعه فرهنگ و اعتقادات اصیل اسلام پرداختند؛ فریاد توحید سر دادند و خواب دین فروشان و بدعتگذاران را آشفته نمودند. این موحدینِ حقیقت‌جو، به تأسی از پیامبر شریف اسلام، حقیقت را فدای مصلحت نکردند و در این راه، جان را تحفة بارگاه حق تعالی نمودند، و به راستی:** ﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢﴾ [يونس: ٦٢].

**آنچه در این مجموعه آمده است، جرعه‌ای است از دریای معرفت الهی و گزیده‌ای است از آثار موحدین خداجویی که در آغاز از طایفه شیعیان بودند. نور خدا در دلشان تابیدن گرفت و توحید را سرلوحه حیات با‌ برکتشان قرار دادند. این افراد، که همگی از علما و نویسنگان و محققین طراز اول جهان تشیع در ایران بوده و هستند، در سیر تحول فکری (و بالطبع، در آثارشان) حرکتی گام به گام داشتند؛ به این معنا که نگرششان به مسایل مختلف اعتقادی، به یکباره متحول نشده است؛ بلکه با گذشت زمان، مطالعات گسترده و تعامل با دیگر همفکرانشان، به مسیری نو گام نهاده‌اند. لذا، ممکن است برخی از اظهار نظرها یا نتیجه گیری‌ها در آثار این افراد، که در این مجموعه آمده است، کاملا منطبق با رویکرد‌های دینی و اعتقادی اهل سنت و جماعت نباشد؛ با این وجود، به دلیل اهمیت این آثار در هدایت شیعیان ایران و دیگر اقوام پارسی زبان، به انتشار آن اقدام نمودیم. همچنین، دیدگاهها و مواضع فکری مطرح شده در این کتاب‌ها، الزاما دیدگاه‌های ناشر و دست اندر‌کاران انتشار این مجموعه نیست، اما بی‌تردید، نفحه‌ای است از نفحات حق و نوری است از جانب پرودگار برای هدایت آنانی که به دور از تعصبات و گمانه زنی‌های تاریخی، فرقه‌ای و مذهبی، جویای حقیقت هستند.**

**نکته قابل تأمل این است که برای آگاهی از دیدگاه‌های این افراد نمی‌توان تنها به مطالعه یک جلد از آثارشان بسنده کرد؛ بلکه نیاز است که زندگی آنان به طور کامل مطالعه گردد، تا چگونگی انقلاب فکری شان و انگیزه‌ها و عوامل آن کاملا شناخته شود. برای مثال، آیت الله سید ابوالفضل برقعی قمی، کتابی دارد با عنوان *درسی از ولایت* که آن را در اوایل دوران تطور فکری‌اش به رشته تحریر در‌آورده است. او در این کتاب به بحث درباره ائمه و ادعای شیعه درباره ولایت و امامتِ بلافصلِ ایشان پس از پیامبر خدا پرداخته است. او عدد ائمه را دوازده نفر دانسته و بر وجود و حیات محمد بن حسن عسگری، به عنوان دوازدهمین امام، صحّه گذاشته و آن را پذیرفته است. اما چند سال بعد، کتابی با نام *تحقیق علمی در احادیث مهدی* می‌نویسد و نتایج پژوهش‌هایش را در اختیار خواننده قرار می‌دهد، که حاکی از جعلی و دروغ بودن تمام احادیث، اخبار و گزاره‌های تاریخی مرتبط با ولادت و وجود امام زمان است. از این مثال و موارد مشابه دیگر، چنین برمی‌آید که اطلاع از حوادث و رویدادهای زندگی موحدین و مطالعه مجموعه آثار آنان، با در نظر گرفتن تقدم و تأخر نگارش آنها، بهترین راه برای آگاهی از سیر تحول اندیشه‌ و آثار ایشان است.**

**امید است آثار این بزرگواران و تلاش‌های متولیان نشر آنها، زمینه‌ای باشد برای بازگشت به مسیر امن الهی و عبادت خالصانه خالق. باشد که خداوند بزرگ، این مختصر را موجب بخشش گناهان و لغزش‌های ما قرار دهد و روح آن عزیزان را در جوار مهر و بخشش خود گیرد.**

تذکر

1- دیر زمانی است که مسلمانان در بحث و مباحثه با ملل دیگر از کتب آن‌ها دلیل می‌آورند. مثلا با اینکه **انجیل** موجود مورد قبول ما نیست با این وجود در مباحثه با علمای نصاری، در مورد رسالت حضرت محمدص، به آن کتاب، استناد می‌کنیم.

دلایلی که علامه برقعی از کتاب نهج البلاغه و غیر آن، برای رد عقاید شیعه نقل می‌کند، معنایش این نیست که آن کتب مورد قبول ماست.

کتب شیعه بدلیل آنکه بطریقه غیر علمی نوشته شده‌اند به اجماع علمای مسلمین فاقد ارزش و اعتبار هستند.

2- در این کتاب هر جا نام امیر المؤمنین ذکر شده مقصود حضرت علی می‌باشند.

3- تيترهاي فرعي از طرف مُصحح بر کتاب افزوده شده، و داخل کروشه [ ] قرار گرفته است.

4- آیات کریمه‌ای که ترجمه نشده بود با ویرایش اندک از تفسیر «تابشی از قرآن» نوشته مولف اخذ گردید.

**مُصحح**

[مقدمه‌ی نویسنده]

**اَلْـحَمْدُ للهِ الَّذِيْ أَذِنَ لِعِبَادِهِ الدُّعَاءَ، وَجَعَلَ مِنَ الْوَسَائِلِ إِلَيْهِ الإِيْمانَ وَالتَّوبَةَ وَالْبُکَاءَ، وَالصَّلاَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِياءِ، وَعَلَى آلِهِ وَأَتْبَاعِهِ الْأَتْقِيَاءِ.**

سپاس و ستایش ذات مقدس پروردگار عظیم‌الشّأنی را سزا است که با کمال بزرگی و بی‌نیازی و عزت، درهای لطف و مرحمت و مهربانی و عطوفت خود را بر بندگان خود گشوده و کوچک و بزرگ و صالح و طالح و مطیع و عاص و مؤمن و کافر را اذن عام و رخصت داده که هر ساعت و دقیقه از شب و روز و گاه و بیگاه و خلوت و جلوت او را بخوانند، با خود او بدون واسطه مکالمه و خطاب نمایند.

در کتاب خود سورة المؤمن، آیة 60 فرموده: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ «و پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم». و در همین آیه، دعا و خواندن خود را عبادت شمرده و فرموده: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [المؤمن: 60]. یعنی: «هر کسی که از عبادت من [که دعا باشد]، تکبّر ورزد بزودی داخل دوزخ گردد با کمال خواری». و دستور داده با حضرتش مناجات و عرض و حاجت کنند و حوائج خود را با او در میان بگذارند، نه امیر گذاشته و نه حاجبی و دربانی، و نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفی.

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بخواه

کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست.

هر کس در هر جا که خواهد می‌تواند با جناب او سخن گوید، او به هر دل و هر زبانی آگاه است. نه مترجم می‌خواهد و نه واسطه و رشوه‌ای.

و نفرموده مقربین مرا بخوانید و یا کسی را واسطه و همراه بیاورید، بلکه فرموده، ایمان و تقوی و زاری خود را وسیله دانید و این‌ها را بجوئید نه آنکه این‌ها را بخوانید، چنانکه در سوره مائده آیه‌ی 35 فرموده:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ﴾.

یعنی: «ای مؤمنین، از خدا بترسید و بسوی او وسیله‌ای بجویید».

و نفرموده: **«ادعوا الوسيلة»** وسیله را بخوانید.

شبانه‌روزی پنج مرتبه از روی جود و کرم بندگانش را به درگاه خود خوانده، تا به او تقرب جویند و با او تجدید عهد بندگی کنند، عجب خدای کارساز بنده‌نواز دانای راز بی‌نیازی است. **«فَشُکْراً لَهُ ثُمَّ شُکْراً لَهُ».**

**کسی که می‌خواهد خدا را بخواند سزاوار است**

**این چند فصل را مطالعه نماید**:

فصل اول

[دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد]

یکی از حقوق خدا بر بنده این است که او را به همان نحوی که خود او دستور داده بخواند، و چنانکه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که خدا خود را معرفی کرده او را صدا زند، نه اینکه به سلیقه‌ی ناقص خود اکتفا کند و به نامها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند؛ و به بهانه‌ی ارادت به انبیاء و اولیاء بر خلاف قانون الهی عمل نکند.

[در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است]

متأسفانه در زمان ما جهالت و غرور و بدعت‌ها چنان شایع شده که به نامِ ارادت به مقربان و به بهانه‌ی رجوع به اخبار و احادیث مجعوله و کتبِ غیر معقوله بر خلاف دستور قرآن عمل می‌شود. بلکه رسول اللهص و ائمة هُدی سعی و کوشش داشتند که کسی بر خلاف کتاب خدا چیزی نگوید و بر خلاف قولِ خدا خبری نسبت به ایشان ندهد، و لی چنانکه در زمان حیاتشان اذیت و آزار شدند پس از وفاتشان نیز هر کسی به نام ایشان هر چه خواست به هم بافت و میان مردم منتشر ساخت، نه حسابی در کار و نه میزانی، چه بسیار دعاهای کفرآمیز و شرک‌انگیز و مخالف توحید مورد توجّه ملت شده، نه دانشمندی توجهی دارد، و نه کسی خیر خواهی می‌کند و نه خردمندی خیرخواه برای بیداری مردم سخن می‌گوید. عدّه‌ای از ترس دکانداران، ساکت و خاموشند، عدّه‌ای برای حفظ دکّان و جمع‌آوری مریدان، با عوام هم‌آواز و دمسازند، و اکثر مردم آنقدر گرفتارند که فرصت تأمل و تفکر ندارند.

ما چون خود را مکلّف و موظّف و مسؤول دانستیم و از کسی هم جز خدا توقّعِ پاداشی نداریم، در مقام بر آمدیم که حق را آشکار بگوییم و خیر امت را بنگاریم؛ چه کسی بپذیرد و چه نپذیرد. و امیدواريم و انتظار داریم که مردم هشیارِ بیدار با ما همکاری کنند و از دکّاندارانِ شیاد عوام‌فریب نهراسند، و چنانكه خدا در سوره‌ی زمر آیه‌ی 17 فرموده، نوشته ما را بخوانند و اگر دیدند حق گفته‌ایم ما را یاری کنند([[1]](#footnote-1)).

فصل دوم

[قرآن بهترین دعاها را دارد]

بهترین دعاها، دعاهای قرآن است که حق تعالی از قول انبیاء و دیگران نقل کرده و یا خود دستور داده، زیرا قرآن سند محکم و متواتر است و از دست جعالین و کذابین محفوظ مانده و خود خدا حفظ آن را تضمین کرده؛ و در سوره‌ی حجر آیه‌ی 9 فرموده:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ﴾.

«همانا ما قرآن را نازل كرديم و یقیناً ما نگهبان آن [از هرگونه تحریف و تبدیل] هستیم».

[اکثر کتاب‌های دعا باطلند]

ولی دعاهای دیگری که در کتب دعا ذکر کرده‌اند، نویسندگانِ آن‌ها معصوم از خطا نبوده‌اند، یا بواسطة تسامح در ادلّه‌ی سُنَن هر دعا و زیارتی را جمع کرده‌اند و توجه نکرده‌اند که اکثر یا سندی ندارد و فلان مقدّس یا فلان عالم به سلیقة خود آن را به هم بافته، و یا اگر سندی دارد راویان آن یا مجهول‌الحال و یا اهل غلوّ و یا دارای عقائد باطله بوده‌اند و عقائد خود را در دعاها و زیارات گنجانیده و منتشر ساخته‌اند؛ و مردم بی‌خبر با اعتماد به اینکه فلان مقدّس و یا فلان عالم نوشته، می‌خوانند، و این روش باعثِ نشر عقاید فاسده گردیده و در اثر انتشار آن‌ها بسیاری از بدعت‌ها مورد رغبت شده که دفع آن‌ها بسیار مشکل گردیده، و دانشمندان بعدی با سکوت خود گویا تمام آن خرافات و بدعت‌ها را امضاء کرده‌اند.

باید دانشمندان بیدار برای حفظ حقایق قرآنی و دفع این باطل‌ها فکری کنند و یا برای ردّ این اوهام قیامی کنند. بسیاری از علمای اخیار دعاهایی که زاهدی و یا عالمی نوشته و یا در کتابی درج کرده، به واسطة حسن ظنّی که به او داشته‌اند، خیال کرده‌اند سندی از شرع دارد، در حالی که ممکن است که آن زاهد و یا آن عالم طبق دستور مطلقات دعا، خواسته به فکر خود دعایی زیبا بسازد و مسجّع و مقفّا کند، و اظهار ارادتی در پیشگاه خدا و یا بزرگان دین کرده باشد. محدّثین بعدی از حسن ظنّی که به او داشته‌اند، آن را مُسنَدِ به شرع دانسته‌اند.

[عباس قمی از جهل مردم می‌نالد ولی خودش...]

چه بسیار دعاهایی که مثلا حاج شیخ عباس قمی از کفعمی و یا ابن طاووس یا ابوقُرّه و یا از شیخ طوسی و یا ابن عیّاش جوهری نقل کرده، گویا اینان را معصوم دانسته و یا به آن‌ها حق تشریع داده است. وی در مفاتیح در ذیل زیارت وارث بسیار مذمّت کرده از کسانی که زیارت و یا دعایی جعل کرده‌اند، و یا در دعاها کلمه‌ای کم و زیاد کرده‌اند؛ در حالی که آن مجعولات و یا آن کم و زیادها موجب کفر و شرک نبوده ولی خود او در مفاتیح دعاها و زیاراتی آورده که کفر محض و شرک خالص می‌باشد، مانند آنکه در زیارت ششم امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده: «**السَّلَامُ عَلَى الْأَصْلِ الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِي**‏»([[2]](#footnote-2))، که همان تثلیث نصاری را درباره امام آورده، و مثلا از حسن مُثله جمکرانی که مرد مجهول و مهملی است، دعایی آورده که می‌گوید:

**«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي وَاحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ»**([[3]](#footnote-3))، که مخالف قرآن و موجب شرک است. زیرا قرآن می‌گوید:

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥ﴾ [الزمر: 36].

«آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟»

ولی حسن مثله جمکرانی می‌گوید: محمد و علی کافی‌اند. خدا به رسول خود می‌گوید:

﴿وَمَا جَعَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ﴾ [الأنعام: 107].

«ما تو را حافظ آنان نگرداندیم، و تو بر ایشان کارساز و وکیل نیستی».

ولی این دعا می‌گوید، محمّد و علی هر دو حافظ می‌باشند.

قمی از مجعولات عوام می‌نالد ولی از مجعولات و شرکیات دانشمندان نمی‌نالد.

چقدر اذن دخول‌ها برای رفتن به اعتابِ اما و امامزاده‌ها تراشیده‌اند، و امام و امامزاده‌ها را مانند خدا حاضر و ناظر و جوابگو قرار داده‌اند، و تعجب این است که برای دخول اذن می‌خواهد ولی اذن صادر نشده داخل می‌شود. [و ما در کتابی بنام: "خرافات وفور در زیارات قبور" در این باره توضیحاتی داده‌ایم، مراجعه شود].

فصل سوم

اگر کسی دعایی از خود جعل کند و یا از دیگری نقل کند که مطابق قرآن و عقل باشد، اشکالی ندارد. اما به قصد ورود از شرع نخواند و به دین نبندد و تذکّر دهد که این دعا مستند به شرع نیست، مثلاً کسی پس از نماز صبح چهل مرتبه خدا را می‌خواند و یا عزیز یا عزیز می‌گوید این کار طبق دستور **﴿**ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ**﴾** عیبی ندارد، ولی این ذکر با این عدد معیّن چون از شرع نرسیده به شرع اسلام نبندد و باید هر دعا و زیارتی می‌خواند مواظبت کند که با قرآن الهی موافق باشد. زیرا اخبار متواتره در کتاب وسایل (کتاب قضا) و سایر کتب حدیث وارد شده که رسول خداص و ائمّة هدی(ع) فرموده‌اند: **«مَا وَافَقَ کِتَابَ اللهِ فَخُذُوهُ، وَمَا خَالَفَ کِتَابَ اللهِ فَدَعُوهُ».** یعنی: «هر چه موافق کتاب خدا است بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا است رها کنید». زیرا رسول خدا و ائمّه هیچ کدام سخنی بر خلاف قول خدا نمی‌گویند. پس شخص مسلمان باید اوّل برود از مطالب قرآن مطّلع گردد تا بفهمد کدام دعا و حدیث موافق قرآن و کدام مخالف قرآن است. متأسفانه ملّت ما به کلّی از قرآن بی‌خبرند و لذا دعاها و زیارات ضد قرآنی را تمییز نمی‌دهند و خود را معذور می‌دانند در حالی که معذور نبوده و مسؤولند.

فصل چهارم

[ضررهای دعاهای اختراعی]

**مفاسد دعاها و زیارات مجعوله بسیار است:**

1. مخالف با عقل و قرآن، که قرآن حجت پروردگار است؛ و مخالفت باآن موجب هلاکت و نکبت و زیان دنیا و آخرت است. پس نفعی که ندارد هیچ بلکه سر تا پا ضرر است.

حال اگر کسی بخواهد ایشان را نهی کند به عذر اینکه ما نمی‌فهمیم و یا فلان عالم چنین نوشته سر پیچی می‌کنند، بلکه علاقه‌ای که به دعاهای مجعوله دارند به کتاب خدا ندارند.

1. بسیاري از اهل بدعت و مذاهب باطله همین دعاها و زیارات را مدرک و سند خود قرار داده و دکان‌های خود را رواج داده‌اند.
2. در دعا نباید به غیر خدا توجّه کرد زیرا دعا عبادت است و خواندن خدا بعنوان مدعوّ غیبی مانند خواندن معمولی متعارف دنيوی نیست، زیرا در خواندن معمولی متعارفی هر یکی از مخلوق را می‌توان خواند، کسی‌که پایش درد گرفته می‌تواند بگوید: ای زید، دست مرا بگیر! کسی‌که محتاج به دوا می‌باشد، می‌تواند بگوید: ای دکتر، دوا به من بده، کسی‌که حاجتی به دیگری دارد می‌تواند بگوید فلانی حاجت مرا انجام بده، کسی‌که که نان می‌خواهد می‌گوید: ای شاطر، نان بده. در خواندن متعارفی معمولی فقط باید طرف حاضر باشد و صدای او را بشنود.

[برهان از قرآن]

اما دعای شرعی عبارت است از عبادت، و آن خواندن مدعوّ غیبی، که فقط خدا باشد، و در این عبادت مانند سایر عبادات نباید به اَحَدی توجه کرد و غیر خدا را شریک نمود. چنانکه خدا در سوره‌ی کهف آیه‌ی 110 فرموده:

﴿وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا﴾.

«و به عبادت پروردگارش احدی را شریک ننماید».

عبادت مخصوص ذات پروردگار است، و لذا آیات بسیار در قرآن آمده که غیر خدا را مخوانید و خواندن غیر خدا را شرک دانسته، از آن جمله در سوره‌ی جن آیه‌ی 20 فرموده:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٠﴾.

یعنی: «بگو: من فقط پروردگارم را می‌خوانم و احدی را شریک او نمی‌کنم. [و شرک به او نمی‌آورم]». و در آیه 18 فرموده:

﴿فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا**﴾.**

یعنی: «احدی را با خدا مخوان».

و در آیه‌ی 13 و14 سورة فاطر فرموده:

﴿وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ ١٣ إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ...﴾.

یعنی: «آن کسانی را که غیر خدا می‌خوانید مالک پوست هستة خرمایی نیستند، اگر بخوانیدشان نمی‌شنوند و اگر بشنوند اجابت نکنند و روز قیامت به شرک شما اعتراض و انکار کنند».

در این آیه صریحا کسانی که غیر خدا را می‌خوانند مشرک خوانده و نمی‌توان کلمه ﴿ٱلَّذِينَ﴾ و ضمیرهای جمع مذکّر که مخصوص عُقَلا است و بر عقلا اطلاق می‌شود، حمل بر بت‌ها کنیم. زیرا در لغت عرب کلمه «**الَّذِیْنَ**» و ضمیر جمع مذکر بر بت اطلاق نشود؛ به اضافه روز قیامت بتی نیست که اعراض و انکار کند که چرا مشرک شدید.

پس این آیه می‌گوید، بزرگان و عقلا را نخوانید، و در سوره احقاف آیه 5 و 6 فرموده:

﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ٥ وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ٦**﴾.**

یعنی: «و کسیت گمراه‌تر از آنکه غیر خدا را می‌خواند، آن کسی را می‌خواند که اجابت او نمی‌کند تا قیامت؛ و آنان از دعای ایشان آگاه نیستند. و چون مردم در قیامت محشور شوند، آنان برای ایشان دشمنند و به عبادت ایشان کافر و منکر بوده‌اند».

و در سوره نحل آیه‌ی 20 و 21 فرموده:

﴿وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخۡلُقُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ٢٠ أَمۡوَٰتٌ غَيۡرُ أَحۡيَآءٖۖ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٢١﴾.

یعنی: «و آنانی را که غیر از خدا می‌خوانند چیزی را خلق نمی‌کنند و خود ایشان مخلوقند. مردگانی غیرزنده، و درک نمی‌کنند که کی [برای قیامت] برانگیخته می‌شوند».

یعنی: آنکه چیزی خلق نکرده، و خود مخلوق است و به اضافه از ساعت قیامت و حشر خبر ندارد، نباید خواند. و به اتفاق آیات قرآن، پیغمبر اسلام خبر از حشر نداشته و ساعت قیام قیامت را نمی‌دانسته، پس نباید او را خواند، چه برسد به بندگان دیگر.

در سوره‌ی اسراء آیه‌ی 56 و 57 فرموده:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا تَحۡوِيلًا ٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ٥٧﴾.

یعنی: «بگو: غیر از خدا آن کسانی را که گمان می‌برید [از آنها کاری برایتان ساخته است] بخوانید، آنان مالک و توانایی بر طرف کردن ضرر از شما نیستند و تغییری نتوانند. آن‌کسانی را که ایشان [آنان را به معبودی] می‌خوانند، خودشان به سوی پروردگارشان وسیله‌ی (تقرب) می‌جویند، که کدام یک از آنها نزدیکتر و مقرّب‌ترند، و امید به رحمت او دارند و از عذاب او می‌ترسند، بی‌گمان عذاب پروردگارت حذر کردنی است». و مانند این آیات که در سورة اعراف آیه 194 می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡ﴾.

«محقّقاً آنان را که از غیر خدا می‌خوانید بندگانی مانند شمایند».

ما نمی‌دانیم کسانی که امام و یا رسول و یا امامزاده را می‌خوانند، جواب این آیات را چه می‌دهند؟ آیا این آیات از قرآن نیست؟ آیا بزرگان دین گفته‌اند ما را بخوانید و بر خلاف قرآن رفتار کنید؟ آیا با دعاهای مجعوله می‌توان قرآن را رد کرد؟ و آیا پیغمبر و امام بشرند، و با گوش می‌شنوند و یا خیر، نه چشم دارند و نه گوش و بدون چشم و گوش می‌شنوند؟ اگر چنین باشد پس خلقت چشم و گوش در بدن ایشان لغو بوده است. و آیا خودشان گفته‌اند که پس از دفن شدن چشم و گوش، باز هم می‌شنویم و می‌بینیم؟

[توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان]

آیا این کسانی که در دعاهای شرکیه غیر خدا را می‌خوانند برای این کار خود دلیلی دارند؟ اینان برای خود بهانه‌ای تراشیده‌اند بنام دلیل که عوام را گول بزنند، و گاهی می‌گویند چگونه فرزندان یعقوب حضرت یعقوب را خواندند و گفتند: ﴿يَٰٓأَبَانَا ٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِ‍ِٔينَ ٩٧ قَالَ سَوۡفَ أَسۡتَغۡفِرُ لَكُمۡ رَبِّيٓ﴾. [یوسف: 97-98] یعنی: «ای پدر، برای گناه ما آمرزش بخواه، زیرا ما خطاکار بودیم. [یعقوب] گفت: به زودی از پروردگارم برای شما طلبِ آمرزش می‌کنم».

در جواب ایشان باید گفت:

**اولا**- حضرت یعقوب زنده بود، نه مرده و چون او را آزرده بودند، و یوسف او را برده بودند، و چهل سال او را اذیّت کرده بودند، وظیفه‌شان این بود که بروند از او معذرت بجویند، و او را وادار کنند، که از خدا برایشان طلب مغفرت کند. و این وظیفه هر مسلمانی است که اگر کسی را اذیّت کرده، برود به او التماس کند تا او از خدا برایش آمرزش بخواهد. و این مربوط به این مسأله نیست، زیرا خواندن یعقوب زنده‌ی حاضر، خواندن و درخواست متعارفی است که ما گفتیم این خواندن مدعوّ غیبی نیست. آیا اگر حضرت یعقوب از دنیا رفته بود، می‌توانستند به او بگویند: ﴿يَٰٓأَبَانَا ٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَا....﴾ و اگر می‌گفتند آیا یعقوب می‌شنید و جواب می‌داد؟ البته خیر.

پس قیاس حاضر به غایب و آنکه را وفات نکرده به کسی که وفات کرده، صحیح نیست. بحث ما این است که امام و یا رسولی که حاضر نیست، و از دنیا بی‌خبر است و در بهشت برزخی ساکن است و آنجا از همّ و غمّ دنیا بی‌خبر است، آیا می‌توان خواند؟ و آیا او جواب می‌دهد؟

**ثانیا-** حضرت یعقوب به فرزندان می‌گوید:

﴿وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ﴾ [يوسف: 67].

یعنی: «[ای فرزندان من،] هیچگونه کاری از طرف خدا برای شما نمی‌توانم».

چگونه آن کلام یعقوب را قبول دارید ولی این کلام را که آب پاکی بدستشان داده و فرموده من کاری نتوانم قبول ندارید، و یا بی‌خبرید؟([[4]](#footnote-4))

[آیا امام همه زبان‌ها را می‌داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟]

آیا از رسول خداص و یا امام خبری رسیده که ما را بخوانید؟ در صورتی که قطعاً چنین خبری وجود ندارد.

آیا اگر مردم پیغمبر و یا امام را بخوانند ایشان به همه گوش می‌دهند؟ و آیا همه جا حاضرند و آیا صوت آن یکی مانع از صوت دیگر نیست؟ آیا اینان صفات خدا را دارند و با خدا شریکند که **«لاَ یَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ وَلاَ صَوْتٌ عَنْ صَوْتٍ»**([[5]](#footnote-5))؟!

آیا آن رسول و امام مجبورند که هر کس صدایشان کرد بشنوند و فوری اطاعت کنند، و برای همه کس واسطه شوند؟ هزاران دعای مجعول را به امام زمان بسته‌اند در صورتی که می‌گویند، آن امام گفته:

**«مَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ فَهُوَ مُفْتَرٍ کَذَّابٌ».**

یعنی: «هر کس در زمان غیبت کبری ادّعای مشاهده مرا نماید، افترا زده و کذاب است».

و غالب دعاهای امام زمان را از قول او در زمان غیبت کبری نقل کرده‌اند.

[توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ﴾]

و گاهی می‌گویند؛ چون خدا راجع به منافقین در سوره‌ی نساء آیه 64 فرموده:

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابٗا رَّحِيمٗا﴾.

یعنی: «و اگر این منافقین در وقتی که به خود ستم کردند [و به حکم و قضاوت تو راضی نبودند و پشت سر تو بدگویی کردند] نزد توآمده بودند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و رسول برای ایشان از خدا آمرزش خواسته بود، هر آینه خدا را توبه‌پذیر و رحیم یافته بودند».

سپس نتیجه می‌گیرند هر مسلمانی باید برود نزد رسول خدا ص در هر کاری که به خدا دارد در هر زمانی.

جواب این است که:

**اولاً**- طرف سخن در آیه با منافقین است که رسول خداص را اذیّت کرده بودند، و وظیفه ایشان بوده که و عذرخواهی کنند. و این مربوط به سایر مسلمین نیست.

**ثانیاً**: خدا نفرموده بروید نزد رسول بلکه فرموده اگر منافقین می‌آمدند. پس به آنان که وظیفه داشتند نزد رسول خداص بروند نفرموده بروید، چه برسد به دیگران.

**ثالثاً**: در آن وقت ممکن بود نزد رسول خداص بروند؛ چون زنده و میان مردم بود، اما زمان بعد ممکن نیست کسی نزد رسول خداص برود، زیرا از دنیا رفته و در عالم باقی است، و از عالم فانی و غصه‌ها و رنج‌های آن بی‌خبر است.

پس قیاس مع الفارق است، و امیر المؤمنین در نهج البلاغه می‌گوید، خدا رسول خود را از میان مردم برد. در کلمه 88 کلمات **قصار**: «**كَانَ فِي الأرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللهِ وقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فَدُونَكُمُ الآخَرَ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الأمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللهِ ، وأَمَّا الأمَانُ الْبَاقِي، فَالاسْتِغْفَارُ...»**([[6]](#footnote-6)).

[آیا خدا وزیر دارد؟]

و گاهی می‌گویند؛ اگر کسی بخواهد سلطانی را ملاقات کند، باید نزد وزیر و یا مأمور دیگری برود، ما هم هر وقت به خدا کاری داریم باید به مقربین او مراجعه کنیم.

جواب این است که:

چون سلطان همه جا حاضر نیست و از حال رعیّت خبر ندارد و اگر رعیّت نزد او برود ممکن است به او دروغ بگوید، و بر خلاف واقع عرضی کند، و لذا ناچار باید به مأمورین و وزراء مراجعه کند. ولی خداوند چنین نیست. خود همه جا حاضر و از حال بندگان مطّلع و حاجت آن‌ها را می‌داند، و خود فرموده، من از رگ گردن به شما نزدیکترم([[7]](#footnote-7)).

به اضافه، خدا را نباید تشبیه به شاه و یا مخلوقات دیگر نمود، ودر قرآن فرموده: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞ﴾ [الشورى: 11]. «مانند او چیزی نیست». و رسول خدا و ائمه فرموده‌اند:

**«مَنْ شَبَّهَ الْـخَالِقَ بِالْـمَخْلُوقِ فَهُوَ مُشْرِكٌ»**([[8]](#footnote-8))**.** یعنی: «کسی که خدا را به مخلوق تشبیه کند، مشرک است».

شما چرا توحید خود را آلوده به شرک می‌سازید؟ خدا احتیاج به امیر و وزیر ندارد. و خود دستور داده که او را بخوانند. اگر سلطانی به رعیّت خود بگوید؛ هر حاجتی داری به خود من مراجعه کن، آیا سزاوار است رعیت اعتنا نکند و بگوید؛ خیر من باید به وزیر مراجعه کنم؟!

[وسیله قرار دادن نیکان شرک است]

و یا می‌گویند، ما مقربان درگاه خدا را می‌خوانیم تا وسیله باشند. و خدا در قرآن فرموده:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: 35]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به سوی او وسیله بجویید».

جواب این است که:

**اولاً**- خدا در این آیه فرموده وسیله بجویید، و نفرموده وسیله را در حوائج خود بخوانید. وسیله جستنی است نه خواندنی، که نه تنها در تقرب به خدا بلکه تهیّه خوراک و پوشاک و مسکن و در کسب و تجارت و زراعت و غیره انسان محتاج وسائل است. انبیاء و اوصیاء در دعا و عرض حاجت به خدا وسیله نیستند. خدا دور نیست تا محتاج به وساطت ایشان باشد. و برای دعا و عرض حاجت، خود انبیاء نفرموده‌اند ما واسطه یا وسیله هستیم بلکه فرموده‌اند خواندن غیر خدا موجب هلاکت و نابودی است. چنانکه حضرت سجاد در دعای ابوحمزه عرض می‌کند:

**«اَلْحَمْدُ لِـلَّهِ الَّذِيْ أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعَائِي‏»**([[9]](#footnote-9))**.**

**ثانیاً-** آیه: ﴿وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: 35]. خطاب به رسول الله و سایر مؤمنین است. باید دید رسول اللهص و علی به این آیه چگونه عمل کرده‌اند؟ آیا چه وسیله‌ای می‌جستند؟ رسول خداص عرض می‌کند:

**«إلهي! وَسِيلَتِيْ إِلَيْكَ إِيْمَانِيْ بِكَ»** یعنی: «خدایا، وسیله من ایمان من است».

و علی در خطبه 109 نهج البلاغه می‌فرماید:

**«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللهِ، الإيمَانُ بِهِ وبِرَسُولِهِ والْجِهَادُ فِي سَبِيْلِهِ** ...**»**([[10]](#footnote-10)).

و در دعای کمیل عرض می‌کند: **«وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِربُوبِيَّتِكَ**». یعنی: «خدایا، توسل من به ربوبیت تو است».

و در مناجات ماه شعبان عرض می‌کند:

**«وجَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي**‏**».** یعنی: «اقرار به گناه وسیله من است».

و امام سجاد در دعای ابوحمزه عرض می‌کند:

**«إلهي... بِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي».** یعنی: «الهی،.... با دعایم بسویت متوسل می‌شوم».

پس وسیله، ایمان و تقوی و دعا و عبادت است نه اشخاص مقربین.

به اضافه، ایمان و تقوی و عبادت را می‌توان جست و تهیّه کرد. اما بندگان مقربین را نمی‌توان جست و تهیّه نمود. زیرا آنان از دنیا رفته‌اند و جستن آنان مقدور نیست، و تکلیف الهی تابع قدرت است. پس بندگان مقرب مطیع ما و شما نیستند و اصلا از احوال ما خبر ندارند تا فوری بیایند و برای ما واسطه شوند و بروند.

[در دعاهای باطل بخدا اهانت می‌شود]

و از مفاسد دیگر دعاهای مجعوله این است که صفات و اسمائی برای خداوند ذکر شده که لایق مقام الهی نیست. مثلا: در دعای پنجم رجبیه در مفاتیح به خداوند می‌گوید:

**«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتْقُهَا وَرَتْقُهَا بِيَدِك‏َ».**

یعنی: «خدایا، بین تو و والیان امرت فرقی نیست جز اینکه آنان بندگان و مخلوق تو اند. و پاره کردن و دوختن آنان بدست تو است». و ضمیر مؤنث برای والیان بکار برده است.

و مثلا در دعای هشتم خمسة عشر به خدا عرض می‌کند:

**«وَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي‏».**

یعنی: «(خدایا،) وصل شدن به تو آرزوی نفس من است».

خداوند وصل و فصل ندارد. یا مثلا در دعای ندبه به امام می‌گوید:

**«يَا ابْنَ يس وَالذَّارِيَاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَات».**

یعنی: «ای پسر یس و ذاریات (بادهای وزنده)، ای پسر طور و عادیات (اسبان دونده)».

یک عده از عالم نمایان این عبارات مهمل را به زور تقدر و تأویل تصحیح می‌کنند، و حال آنکه این کار صحیحی نیست. زیرا هر کفری را می‌توان به زور تأویل و تقدیر، حمل به ایمان نمود.

[قرآن بهترین پناهگاه]

به هر حال، اکثر دعاهای مجعوله و زیارات موضوعه با قرآن مخالف است، و چون ملّت ما را از قرآن دور و بی‌خبر داشته‌اند، متوجّه این چیزها نیستند. پس بر هر مسلمانی واجب است تا اندازه‌ای که می‌تواند با قرآن آشنا شود. زیرا تدبّر در کتاب آسمانی لازم و دوری از آن، موجب هلاکت و غرق شدن در خرافات دینی است. و یکی از وسائل آشنا شدن به آیات قرآن این است که دعاهای قرآن را انسان حفظ کند. و در موقع مناجات و دعا و عرض حاجت بخواند. امیرالمؤمنین فرموده: کسی که قرآن دارد، به چیز دیگری احتیاج ندارد و از هر کتابی بی‌نیاز است.

متأسّفانه دیدم یک نفر جاهلی دعاهای قرآن را جمع کرده و چاپ کرده و به دست مردم داده تا بخوانند. اما غفلت کرده که دعاهایی که مناسب خواندن هر کس نیست و یا موجب تمسخر شنونده می‌شود، آورده. مثلاً دعایی که زن عمران خوانده: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرۡتُ لَكَ مَا فِي بَطۡنِي مُحَرَّرٗا فَتَقَبَّلۡ مِنِّيٓ﴾ [آل عمران: ٣٥] را آورده، حال اگر مردی این دعا را بخواند که خدایا، من نذر کردم که آنچه در شکمم می‌باشد برای تو آزاد کنم از من بپذیر و یا دعاهایی که کفّار در دوزخ می‌خوانند آورده که مردم بخوانند که مناسب نیست.

به هر حال کاری که جاهل انجام دهد بهتر از این نمی‌شود. ولی ما در این اوراق دعاهایی از قرآن آورده‌ایم که همه کس بتواند بخواند، اوّل دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده و پس از آن دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبِّ﴾ شده و پس از آن دعاها، چند آیه از آیاتی که خواندن آن برای همه کس مفید و لازم است و در هر حال چه در نماز و چه وقت کسب و کار و چه وقت خواب می‌توان آنها را قرائت کرد. هم ثواب تلاوت قرآن دارد و هم ثواب دعا و ذکر.

فصل پنجم

دعاهای قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده

1- سورة بقره، آیة 128 و آن دعایی است که حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل خوانده‌اند و مناسب است که خواننده در حال خواندن یک نفر دیگر را نیز در نظر بگیرد.

﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾.

«پروردگارا، ما را تسلیم خودت قرار ده و ذریّة ما را نیز امّتی که تسلیم تو باشد قرار بده و عبادات ما را به ما یاد بده و توبة ما را بپذیر، زیرا فقط تو توبه‌پذیر و رحیمی».

و آیه 127:

﴿ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾.

«پروردگارا، از ما بپذیر زیرا فقط تو شنوای دانایی».

2- سورة بقره، آیة 201:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾.

«پروردگارا، ما را در دنیا نیکی عطا فرما و در آخرت نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ حفظ فرما».

3- سوره بقره، آیة 250:

﴿رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾.

«پروردگارا، صبر و شکیبایی بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر قوم کفّار نصرت بده».

4- سوره بقره، آیة 286:

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾.

«پروردگارا، ما را مؤاخذه مفرما، اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، حکم مشکل را بر ما و عهدة ما مگذار چنانکه بر کسان پیش از ما گذاردی. پروردگارا، بر عهدة ما مگذار آنچه را که به آن توانا نیستیم، و از ما بگذر و ما را بیامرز و ترحّم نما. تویی مولای ما پس ما را بر قوم کفّار یاری نما».

5- سورة آل عمران، آیة 8 و 9:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨ رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٩﴾.

«پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت نمودی دل‌های ما را به باطل متمایل مگردان، و از نزد خود ما را رحمتی بخشای زیرا فقط تو بخشاینده‌ای. پروردگارا، تو جمع خواهی کرد مردم را برای روزی که در آن شکّی نیست زیرا خدا وعده را خلاف نمی‌کند».

6- سورة آل عمران، آیة 16:

﴿رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾.

«پروردگارا، حقّا ما ایمان آورده‌ایم پس گناهان ما را بیامرز و از عذاب آتش دوزخ ما را حفظ کن».

7- سورة آل عمران، آیة 53:

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم به آنچه نازل نمودی و پیروی رسول تو کردیم، پس ما را با گواهان بنویس».

8- سورة آل عمران، آیة 147:

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾.

«پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌‌روی در کار ما را بیامرز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر کفّار یاری ده».

9- سورة آل عمران، آیة 191 تا 194:

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾.

«پروردگارا، این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزّهی، پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا، محقّقاً کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا، برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا، آنچه به ما وعده‌ دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلّف نمی‌کنی».

10- سورة نساء، آیة 75:

﴿رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهۡلُهَا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾.

«پروردگارا، ما را از این قریه (و شهری که) اهل آن ستمگرند بیرون بر، و از نزد خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خود برای ما یاوری قرار ده».

11- سورة مائده، آیة 83:

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس ما را از گواهان بنویس».

12- سورة اعراف، آیة 23:

﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾

«پروردگارا، ما بر خود ستم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، البتّه از زیانکاران خواهیم بود».

13- سورة اعراف، آیة 47:

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾.

«پروردگارا، ما را با ستمگران قرار مده».

14- سورة اعراف، آیة 89:

﴿رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ﴾.

«پروردگارا، بین ما و قوم ما را به حق راهی باز کن؛ زیرا تو بهترین بازکنندگانی».

15- سورة اعراف، آیة 126:

﴿رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ﴾.

«پروردگارا، صبر و شکیبایی را بر ما بریز و ما را مسلمان بمیران».

16- سورة یونس، آیة 85 و 86:

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ٨٦﴾.

«پروردگارا، ما را وسیلة امتحان برای قوم ستمگران قرار مده، و به رحمت خود ما را از قوم کفّار نجات بده».

17- سورة ابراهیم، آیة 38:

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِي وَمَا نُعۡلِنُۗ وَمَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ﴾.

«پروردگارا، محقّقاً تو می‌دانی آنچه را پنهان می‌کنیم و آنچه را آشکــار می‌کنیم و

چیزی در آسمان و زمین بر خدا پنهان نیست».

18- سورة ابراهیم آیات 40 و 41:

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾.

«پروردگارا، مرا و اولادم را بپادارندة نماز قرار ده، پروردگارا، و بپذیر دعای مرا. پروردگارا، مرا و والدین مرا و مؤمنین را بیامرز روزی که حساب بر پا می‌شود».

19- سورة کهف، آیة 10:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾.

«پروردگارا، ما را از نزد خود رحمتی عطا فرما، و امر ما را به هدایت و رشد موفّق بدار».

20- سورة مؤمنون، آیة 109:

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و رحم نما و تو بهترین رحم‌کنندگانی».

21- سورة فرقان، آیة 65:

﴿رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾.

«پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بگردان زیرا عذاب دوزخ دائمی است».

22- سورة فرقان، آیة 74:

﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾.

«پروردگارا، از همسران و فرزندانی که نور چشم باشند به ما عطا فرما و ما را برای متّقین پیشوا قرار ده».

23- سورة غافر آیات 7 و 8 و 9:

﴿رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ٧ رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٨ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩﴾.

«پروردگارا، تو به رحمت و دانش هر چیز را فراگرفته‌ای، پس کسانی را که توبه کرده و پیروی راه تو کردند بیامرز و از عذاب دوزخ نگاهشان بدار. پروردگارا، و ایشان را به باغ‌های دائمی که به ایشان وعده داده‌ای وارد ساز و کسانی که شایسته‌اند از پدران و زنان و فرزندانشان را وارد بهشت ساز به درستی که تو عزیز و حکیمی و از بدی‌ها نگاهشان دار و آنکه را تو از بدی‌ها نگاهداری حقیقتاً به او رحم کرده‌ای، و این است همان کامیابی بزرگ».

24- سورة الدخان آیه 12:

﴿رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ١٢﴾.

«پروردگارا، عذاب را از ما برطرف کن زیرا ما ایمان آورده‌ایم».

این آیه را در موقع گرفتاری و ابتلاء بخواند.

25- الحشر، آیة 10:

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾.

«پروردگارا، ما و برادران ما که پیش از ما به ایمان سبقت گرفتند بیامرز و در دل‌های ما برای اهل ایمان کینه قرار مده؛ پروردگارا، به راستی که تویی مهربان رحیم».

26- سورة ممتحنه، آیات 4 و 5:

﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥﴾.

«پروردگارا، بر تو توکّل کردیم و به سوی تو زاری می‌کنیم و به سوی تو برگشت ما است. پروردگارا، ما را وسیلة آزمایش و امتحان کافران قرار مده و ما را بیامرز، پروردگارا، به راستی که فقط تو عزیز حکیمی».

27- سورة تحریم آیه 8:

﴿رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨﴾.

«پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و ما را بیامرز به درستی که تو بر هر چیزی توانایی».

دعاهای قرآنی که به کلمة ﴿رَبِّ﴾ ابتداء شده است

1- سورة بقره، آیة 126:

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ﴾.

«پروردگارا، این شهر را شهر امن بگردان و اهل آن را از میوه‌جات روزی گردان».

2- سورة آل عمران، آیة 38:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾.

«پروردگارا، مرا از نزد خود فرزندی بخشای که پاکیزه باشد به راستی که تو شنوندة دعایی».

3- سورة اعراف، آیة 151:

﴿رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا و برادر مرا بیامرز و ما را در رحمت خود داخل نما و تویی بهترین رحم‌کنندگان».

4- سورة هود، آیة 47:

﴿رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡ‍َٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾.

«پروردگارا، حقا که من به تو پناه می‌برم از آنکه از تو بخواهم آنچه را که به آن علم ندارم و اگر مرا نیامرزی ورحم نکنی از زیانکاران می‌باشم».

5- سورة ابراهیم، آیة 35:

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ﴾.

«پروردگارا، این شهر را امن بگردان و من و فرزندانم را از بندگی بتان دور بدار».

6- سورة اسراء، آیة 80:

﴿رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا﴾.

«پروردگارا، درون بر، درون بردن نیک و برون بر، برون بردن نیـک و برایـم از نزد

خود دلیلی نصرت‌آور مقرّر بدار».

7- سورة اسراء، آیة 24:

﴿رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا﴾.

«پروردگارا، والدینم را رحم فرما، چنانکه در کوچکی مرا تربیت کردند».

8- سورة مریم، آیة 4:

﴿رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا﴾.

«پروردگارا، به راستی استخوانم سست شده و پیری سرم را مشتعل (سفید) نموده و من به خواندن تو بی‌بهره نبوده‌ام».

9- سورة طه آیات 25، 26 و 27:

﴿رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢5 وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧﴾.

«پروردگارا، سینة مرا بگشا و امر مرا آسان کن و گره از زبانم باز کن».

10- سورة طه، آیة 114:

﴿رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾.

«پروردگارا، دانش مرا زیاد کن».

11- سورة انبیاء، آیة 89:

﴿رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا تنها مگذا و تویی بهترین ارث‌ برندگان».

12- سورة مؤمنون، آیة 26:

﴿رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ﴾.

«پروردگارا، مرا یاری کن در مقابل آنچه مرا تکذیب کردند».

13- سورة مؤمنون، آیات 29، 94، 97، 98 و 118:

﴿رَّبِّ أَنزِلۡنِي مُنزَلٗا مُّبَارَكٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ﴾. ﴿رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾. ﴿رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾. ﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا نازل کن به منزل با برکت و تویی بهترین نازل‌کنندگان» (این آیه را در سفر خواند). «پروردگارا، مرا در میان ستمگران قرار مده». «پروردگارا، به تو پناه می‌برم از وساوس شیاطین و به تو پناه می‌برم، پروردگارا، از اینکه نزد من آیند». «پروردگارا، مرا بیامرز و رحم نما و تویی بهترین رحم‌کنندگان».

14- سورة شعراء، آیات 83، 84 و 85:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣ وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥﴾.

«پروردگارا، مرا کمالی عطا کن و مرا به شایستگان ملحق فرما، و برای من ثنا و نام نیک در میان آیندگان قرار ده، و مرا از ورثة بهشت پرنعمت قرار ده».

15- سورة شعراء، آیات 117 و 118:

﴿رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ١١٧ فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٨﴾.

«پروردگارا، به راستی که قوم من مرا تکذیب کردند. پس بین من و ایشان راهی بگشا و مرا با کسانی از اهل ایمان، که با منند نجات مرحمت کن».

16- سورة شعراء، آیات 169:

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهۡلِي مِمَّا يَعۡمَلُونَ﴾.

«پروردگارا، مرا و بستگان مرا از آنچه مردم می‌کنند نجات بده».

17- سورة نمل، آیة 19:

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا موفّق فرما تا نعمتی را که به من و به والدین من عنایت کرده‌ای شکر نمایم و تا عمل شایسته‌ای که می‌پسندی بجا آرم و مرا در میان بندگان شایسته‌ات وارد ساز».

18- سورة قصص، آیة 16:

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ﴾.

«پروردگارا، من به خود ستم نمودم مرا بیامرز».

19- سورة قصص، آیة 24:

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ﴾.

«پروردگارا، همانا من به آنچه از خیر برایم بفرستی محتاجم».

20- سورة قصص، آیة 21:

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از قوم ستمگران نجات ده».

21- سورة عنکبوت، آیة 30:

﴿رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا بر (دفع) قوم مفسدین یاری نما».

22- سورة صافّات، آیة 100:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از شایستگان عطا فرما».

23- سورة تحریم، آیة 11:

﴿رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ﴾.

«پروردگارا، برایم نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن».

24- سورة نوح، آیة 26:

﴿رَّبِّ لَا تَذَرۡ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ﴾.

«پروردگارا، در روی زمین احدی از کفّار را مگذار».

25- سورة نوح، آیة 28:

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا﴾.

«پروردگارا، من و والدینم و هر کس به خانه من وارد شود در حال ایمان، و مؤمنین و مؤمنات را بیامرز، و برای ستمگران جز هلاکت میفزای».

بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است

1- سورة بقره، آیات 255- 257: (آیة الکرسی [و آیات بعد از آن])

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥ لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦ ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُون٢٥٧﴾.

«خدای [کامل‌الذّات والصّفاتی] که معبود [و ملجأی] جُز او نیست، زنده و برپادارندة غیر است، او را چرت و خواب نمی‌گیرد، ملک اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، کیست که شفاعت کند در پیشگاه او بدون اذن و ارادة او؟ او می‌داند آنچه در جلو ایشان و پشت ایشان است، و به چیزی از دانش او احاطه ندارند، جُز آنچه او بخواهد، کرسی او فرا گرفته آسمانها و زمین را، و نگهداری آنها او را خسته نمی‌کند، و اوست والا و بزرگ. در دین اکراه و اجباری نیست، به تحقیق راه رشد از ضلالت روشن و متمایز شده. پس هرکس به طاغوت کافر و به خدا ایمان آورَد، پس حقیقتاً چنگ به رشتة محکمی زده که برای آن رشته جداشدن و گسستنی نیست، و خدا شنوای داناست. خدا ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورند، ایشان را از تاریکی‌ها بیرون می‌برد به سوی نور، وآنان‌که کافر شدند سرپرستشان طاغوت است که ایشان را از نور خارج می‌کند به سوی ظلمات، ایشانند اهل آتش و ایشان در آن جاوید بمانند».

2- سورة آل عمران، آیات 2- 4:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢ نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٣ مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَ﴾.

«خدای [کامل‌الذات والصفاتی] که معبودی بحق جُز نیست، زنده و برپادارندة [غیر] است. این کتاب را به حق، بر تو نازل نمود که تصدیق‌کنندة آنچه [از کتاب‌های آسمانی] است که پیش از آن بوده، و تورات و انجیل را پیش از آن، برای هدایت مردم فرو فرستاد، و [نیز] فرقان را نازل نمود».

3- سورة آل عمران، آیات 18-19:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨ إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾.

«خدا که قائم به عدالت است، گواهی داده که معبود و ملجأی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان [نیز گواهی دادند]. معبود و ملجأی جز نیست او که عزیز و حکیم است. به راستی دین نزد خدا اسلام است، و آنان‌که به ایشان کتاب [آسمانی] داده شده، اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم و آگاهی برای آنان آمد، آن هم بخاطر سرکشی و حسدی که میان آنان بود. و هرکس به آیات خدا کافر گردد، پس محقّقاً خدا سریع‌الحساب [زود شمار] است [و به حساب او می‌رسد».

4- سورة نساء، آیة 87:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا﴾.

«خدایی که هیچ معبود و پناهی جز او نیست، و یقیناً همه‌ی شما را در روز قیامت، که شکی در آن نیست، جمع می‌کند، و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟».

5- سورة توبه، آیة 129:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ﴾.

«پس اگر اعراض کردند بگو: خدا مرا کافی است، نیست معبود برحق جز او، بر او توکل کرده‌ام و اوست پروردگار عرش بزرگ».

6- سورة طه، آیة 8:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾.

«خدائی که إلهی جز او نیست، مخصوص اوست نام‌های نیک».

7- سورة الحشر آیات 22- 24:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾.

«اوست خدایی که معبود و ملجأی جز او نیست، دانای غیب و آشکار است، اوست رحمن رحیم. اوست خدایی که معبودی و ملجأی جز او نیست، پادشاهی نهایت پاک، منزّه [و سالم از هر عیب]، ایمنی‌بخش، نگهبان پیروزمند، جبّار [جبران‌کننده] و با تکبر است. خدای [کامل الذات والصفات] از آنچه [برای او] شریک می‌آورند منزّه است. اوست خدای آفرینندة هستی، دهندة صورت‌گری که نام‌های نیکو مخصوص اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او تسبیح می‌کنند، و اوست شكست ناپذير حكيم».

8- سورة تغابن، آیة 13:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾.

«خدای [مستجمع جمیع کمالات]، جز او معبود به حق نیست؛ و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند».

این آیات که مشتمل بر اسماء حُسنای الهی و قرائت آن مفید است ضمیمة دعاهای قرآنی شد تا مؤمنین و مؤمنات حفظ کنند و فوائد بسیاری ببرند. والسَّلام علیکم.

**سیّد ابوالفضل ابن الرضا**

**(علّامة برقعی)**

1. - اشاره به آيه‌ي 17 و 18 سوره زمر است، كه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرۡ عِبَادِ ١٧ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾. «پس به بندگانم مژده ده. آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند». [مُصحح] [↑](#footnote-ref-1)
2. - يعني: «سلام بر اصل قدیمی و شاخه‏ كريم، سلام بر ميوه چيده». [ترجمه از مُصحح] [↑](#footnote-ref-2)
3. - يعني: «اى محمّد و اى على، اى على و اى محمّد، مرا كفايت كنيد، كه تنها شما كفايت‏كنندگان منيد، يارى‏ام دهيد كه تنها شما يارى‏كنندگان منيد، و مرا نگهدارید كه تنها شما نگهبان منيد». [ترجمه از مُصحح] [↑](#footnote-ref-3)
4. - براي رد تفصیلی این شبهه، به کتاب مولف، تضاد مفاتیح الجنان با قرآن، رجوع کنید. [مُصحح] [↑](#footnote-ref-4)
5. - يعني: «کسى که مشغول نمى‏گرداند او را کارى از کارى دیگر، و نه صوتي مانعِ شنيدن صوت دیگر مي‌شود». [ترجمه توسط مُصحح] [↑](#footnote-ref-5)
6. - يعني: «دو امان از عذاب خدا در زمين بود، يكى از آنها برداشته شد، پس ديگرى را كه باقى مانده بگيريد و به آن چنگ بزنيد. اما امانى كه برداشته شد رسول خداص است. و امّا امانى كه باقى است استغفار است».

   در ادامه آن می‌فرماید: قَالَ اللهُ تَعالى: ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ﴾ [الأنفال:33] «ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند». [مُصحح] [↑](#footnote-ref-6)
7. - ﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾ [ق: ١٦] «و ما از رگ گردن به انسان نزدیکتریم». [↑](#footnote-ref-7)
8. - آثاری از امام صادق و امام رضا بدین معنی روایت شده است، و لفظ آن بدین صورت است: «**مَنْ شَبَّهَ اللهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ**» نگا: ابن بابويه قمی، **التوحيد**، ص 80، **وعيون أحبار الرضا**، ج1 ، ص 114. [مُصحح] [↑](#footnote-ref-8)
9. - «سپاس خدایی را که او را به فریاد می‌طلبم و کسی دیگر را به فریادرسی نمی‌خوانم و اگر کسی دیگر را به فریادرسی بخوانم، مرا نا امیدگردانده و دعایم را استجابت نمی کند». [مُصحح] [↑](#footnote-ref-9)
10. - «همانا بهترين چيزى كه متوسلان به خداوند به آن توسل جستند عبارت است از: ايمان به خدا و رسول او، و جهاد در راه او ...». [مُصحح] [↑](#footnote-ref-10)